

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

● حکمت ۶۶ :

✿ روش خواستن (اخلاقی ، اجتماعی)

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا .

و درود خدا بر او ، فرمود : از دست دادن حاجت بهتر از درخواست کردن از نااهل است.

● حکمت ۶۷ :

✿ ارزش ایثار اقتصادی (اخلاقی ، اقتصادی)

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [لَا تَسْتَجِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْحَرَمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ .

و درود خدا بر او ، فرمود : از بخشش اندک شرم مدار که محروم کردن ، از آن کمتر است.

● حکمت ۶۸ :

✿ ره آورد عفت و شکر گذاری (اخلاقی ، اجتماعی)

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ وَالشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى .

و درود خدا بر او ، فرمود : عفت ورزیدن زینت فقر ، و شکر گزاری زینت بی نیازی است.

● حکمت ۶۹ :

✿ حفظ روح امیدواری (اخلاقی)

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [إِذَا لَمْ يَكُنْ مَا تُرِيدُ فَلَا تُبَلِّ مَا كُنْتَ .

و درود خدا بر او ، فرمود : اگر به آن چه که می خواستی نرسیدی ، از آنچه هستی نگران مباش.

● حکمت ۷۰ :

❁ روانشناسی جاهل (اخلاقی، علمی)

وَقَالَ [عليه السلام] لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا .

و درود خدا بر او ، فرمود : نادان را یا تُندرو و یا کُند رو می بینی.

● حکمت ۷۱ :

❁ نشانه کمال عقل (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام] إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ .

و درود خدا بر او ، فرمود : چون عقل کامل گردد ، سخن اندک شود .

● حکمت ۷۲ :

❁ رابطه دنیا و انسان (اخلاقی، علمی)

وَقَالَ [عليه السلام] الدَّهْرُ يُخْلِقُ الْأَبْدَانَ وَ يُجَدِّدُ الْأَمَالَ وَ يُقَرِّبُ الْمَيِّتَةَ وَ يُبَاعِدُ الْأُمِّيَّةَ مِنْ ظَفِرِ بَيْهٍ نَصِيبٍ وَ مَنْ فَاتَهُ تَعِبٌ .

و درود خدا بر او ، فرمود : دنیا بدن ها را فرسوده و آرزوها را تازه می کند ، مرگ را نزدیک و خواسته ها را دور و دراز می سازد ، کسی که به آن دست یافت خسته می شود ، و آن که به دنیا نرسید رنج می برد.

● حکمت ۷۳ :

❁ ضرورت خودسازی رهبران و مدیران (اخلاقی ، تربیتی ، مدیریتی)

وَقَالَ [عليه السلام] مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ .

و درود خدا بر او ، فرمود : کسی که خود را رهبر مردم قرار داد ، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد ، خود را بسازد ، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند ، با کردار تعلیم دهد ، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوار تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.

● حکمت ۷۴ :

❁ ضرورت یاد مرگ (اخلاقی)

وَقَالَ [عَلِيهِ السَّلَامُ] نَفْسُ الْمَرْءِ خَطَاةٌ إِلَىٰ أَجَلِهِ .

و درود خدا بر او ، فرمود : انسان با نفسی که می کشد ، قدمی به سوی مرگ می رود .

● حکمت ۷۵ :

❁ توجه به فناپذیری دنیا (اخلاقی)

وَقَالَ [عَلِيهِ السَّلَامُ] كُلُّ مَعْدُودٍ مُنْقَضٍ وَ كُلُّ مُتَوَقَّعٍ آتٍ .

و درود خدا بر او ، فرمود : هر چیز که شمردنی است پایان می پذیرد ، و هر چه را که انتظار می کشیدی ، خواهد رسید .

● حکمت ۷۶ :

❁ روش تحلیل رویدادها (روش تجربی) (اخلاقی ، علمی ، سیاسی)

وَقَالَ [عَلِيهِ السَّلَامُ] إِنَّ الْأُمُورَ إِذَا اشْتَبَهَتْ اِعْتَبِرْ آخِرَهَا بِأَوَّلِهَا .

و درود خدا بر او ، فرمود : حوادث اگر همانند یکدیگر بودند ، آخرین را با آغازین مقایسه و ارزیابی می کنند .

● حکمت ۷۷ :

❁ دنیا شناسی (امام و ترک دنیای حرام) (اخلاقی)

وَمِنْ خَبَرِ ضِرَارِ بْنِ حَمْرَةَ الضَّبَّائِيِّ عِنْدَ دُخُولِهِ عَلَىٰ مُعَاوِيَةَ وَ مَسْأَلَتِهِ لَهُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ قَالَ فَاشْهَدْ لَقَدْ رَأَيْتُهُ فِي بَعْضِ مَوَاقِفِهِ وَ قَدْ أَرَحَىٰ اللَّيْلُ سُدُولَهُ وَ هُوَ قَائِمٌ فِي مِحْرَابِهِ قَابِضٌ عَلَىٰ لِحْيَتِهِ يَتَمَلَّمُ السَّلِيمَ وَ يَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ وَ يَقُولُ يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا إِيَّاكَ عَنَىٰ أَبِي تَعَرَّضْتُ أَمْ إِلَىٰ تَشَوَّقْتُ لَأَحَانَ حِينَكَ هَيْهَاتَ غُرَىٰ غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ قَدْ طَلَّقْتُكَ لَأَنَا لَا رَجْعَةَ فِيهَا فَعَيْشُكَ قَصِيرٌ وَ خَطْرُكَ يَسِيرٌ وَ أَمَلُكَ حَقِيرٌ آهٍ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بَعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوْرِدِ .

و درود خدا بر او ، فرمود : (ضرار بن ضمیره ضبایی از یاران امام به شام رفت بر معاویه وارد شد . معاویه از او خواست از حالات امام بگویند ، گفت علی [علیه السلام] را در حالی دیدم که شب ، پرده های خود را افکنده بود ، و او در

محراب ایستاده ، محاسن را به دست گرفته ، چون مار گزیده ، به خود می پیچید ، و محزون می گریست و می گفت : ای دنیا !!! ای دنیای حرام ! از من دور شو ، آیا برای من خود نمایی می کنی ؟ یا شیفته من شده ای تا روزی در دل من جای گیری ؟ هرگز مباد! غیر مرا بفریب ، که مرا در تو هیچ نیازی نیست ، تو را سه طلاقه کرده ام ، تا بازگشتی نباشد ، دوران زندگانی تو کوتاه ، ارزش تو اندک و آرزوی تو پُست است . آه از توشه اندک ، و درازی راه ، و دوری منزل ، و عظمت روز قیامت !

● حکمت ۷۸ :

✽ شناخت جایگاه جبر و اختیار (اعتقادی)

وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ [عليه السلام] لِلسَّائِلِ الشَّامِيٍّ لَمَّا سَأَلَهُ أَمْ كَانَ مَسِيرُنَا إِلَى الشَّامِ بِقَضَاءِ مِنَ اللَّهِ وَ قَدَرٍ بَعْدَ كَلَامٍ طَوِيلٍ هَذَا مُحْتَارُهُ وَيَحْكُ لَعَلَّكَ ظَنَنْتَ قَضَاءً لَازِمًا وَ قَدْرًا حَاتِمًا لَوْ كَانَ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَبَطَلَ النَّوَابُ وَ الْعِقَابُ وَ سَقَطَ الْوَعْدُ وَ الْوَعِيدُ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَمَرَ عِبَادَهُ تَخْيِيرًا وَ نَهَاهُمْ تَحْذِيرًا وَ كَلَّفَ يَسِيرًا وَ لَمْ يُكَلِّفْ عَسِيرًا وَ أَعْطَى عَلَى الْقَلِيلِ كَثِيرًا وَ لَمْ يُعْصَ مَغْلُوبًا وَ لَمْ يُطَعْ مُكْرَهًا وَ لَمْ يُرْسِلِ الْأَنْبِيَاءَ لِعِبَاءٍ وَ لَمْ يُنْزِلِ الْكُتُبَ لِلْعِبَادِ عَبَثًا وَ لَا خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ

و در جواب مرد شامی فرمود : (مرد شامی پرسید آیا رفتن ما به شام ، به قضا و قدر الهی است ؟ امام با کلمات طولانی پاسخ او را داد ، که برخی از آن را برگزیدیم.)

وای بر او ! شاید قضاء لازم ، و قدر حتمی را گمان کرده ای ؟ اگر چنین بود ، پاداش و کیفر ، بشارت و تهدید الهی ، بیهوده بود ! خداوند سبحان ! بندگان خود را فرمان داد در حالی که اختیار دارند ، و نهی فرمود تا بترسند ، احکام آسانی را واجب کرد ، و چیز دشواری را تکلیف نفرمود ، و پاداش اعمال اندک را فراوان قرار داد با نافرمانی بندگان مغلوب نخواهد شد ، و با اکراه و اجبار اطاعت نمی شود ، و پیامبران را به شوخی نفرستاد ، و فرو فرستادن کُتب آسمانی برای بندگان بیهوده نبود . و آسمان و زمین و آنچه را در میانشان است بی هدف نیافرید.

● حکمت ۷۹ :

✽ ارزش حکمت و بی لیاقتی منافق (علمی، معنوی)

وَ قَالَ [عليه السلام] خُذِ الْحِكْمَةَ أَنِّي كَانَتْ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ تَكُونُ فِي صَدْرِ الْمُنَافِقِ فَتَلْجَجُ فِي صَدْرِهِ حَتَّى تَخْرُجَ فَتَسْكُنَ إِلَى صَوَاحِبِهَا فِي صَدْرِ الْمُؤْمِنِ .

و درود خدا بر او ، فرمود : حکمت را هر کجا که باشد ، فراگیر ، گاهی حکمت در سینه منافق است بی تابی کند تا بیرون آمده و با همدمانش در سینه مؤمن آرام گیرد.

● حکمت ۸۰ :

✿ مؤمن و ارزش حکمت (علمی ، معنوی)

و قَالَ [عليه السلام] الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ .

و درود خدا بر او ، فرمود : حکمت ، گمشده مؤمن است ، حکمت را فراگیر هر چند از منافقان باشد.

● حکمت ۸۱ :

✿ میزان ارزش انسان ها (ارزش تخصص و تجربه) (اخلاقی، معنوی)

و قَالَ [عليه السلام] قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ

قال الرضی و هی الکلمة التي لا تصاب لها قيمة و لا توزن بها حکمة و لا تقرن إليها كلمة .

و درود خدا بر او ، فرمود : ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست .

(این از کلماتی است که قیمتی برای آن تصور نمی شود ، و هیچ حکمتی هم سنگ آن نبوده و هیچ سخنی والایی

آن را ندارد)

● حکمت ۸۲ :

✿ ارزش های والای انسانی (اخلاقی)

و قَالَ [عليه السلام] أَوْصِيكُمْ بِخَمْسٍ لَوْ ضَرَبْتُمْ إِلَيْهَا آبَاطَ الْإِبِلِ لَكَانَتْ لِدَيْكَ أَهْلًا لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ وَ لَا يَسْتَحِينَنَّ أَحَدًا مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ وَ لَا يَسْتَحِينَنَّ أَحَدًا إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ .

و درود خدا بر او ، فرمود : شما را به پنج چیز سفارش می کنم که اگر برای آن ها شتران را پر شتاب برانید و رنج سفر را تحمل کنید سزاوار است : کسی از شما جز به پروردگار خود امیدوار نباشد ، و جز از گناه خود نترسد ، و اگر از یکی سؤال کردند و نمی داند ، شرم نکند و بگوید نمی دانم ، و کسی در آموختن آنچه نمی داند شرم نکند و بر شما باد به شکیبایی که شکیبایی ، ایمان را چون سر است بر بدن و ایمان بدون شکیبایی چونان بدن بی سر ، ارزشی ندارد.

● حکمت ۸۳ :

✿ روش برخورد با چاپلوسان (اخلاقی، تربیتی)

وَقَالَ [عليه السلام] لِرَجُلٍ أَفْرَطَ فِي الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَكَانَ لَهُ مِثْمَهُمَا أَنَا دُونَ مَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا فِي نَفْسِكَ .

و درود خدا بر او ، : (به شخصی که در ستایش امام افراط کرد ، و آنچه در دل داشت نگفت).
فرمود : من کمتر از آنم که بر زبان آوردی ، و برتر از آنم که در دل داری.

● حکمت ۸۴ :

✿ مردم پس از جنگها (سیاسی ، نظامی)

وَقَالَ [عليه السلام] بَقِيَّةُ السَّيْفِ أَبْقَى عَدَدًا وَ أَكْثَرُ وِلْدًا .

و درود خدا بر او ، فرمود : باقیمانده گان شمشیر و جنگ ، شماره شان با دوام تر ، و فرزندانشان بیشتر است .

● حکمت ۸۵ :

✿ پرهیز از ادعاهای علمی (علمی اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام] مَنْ تَرَكَ قَوْلَ لَا أَدْرِي أُصِيبَتْ مَقَاتِلُهُ .

و درود خدا بر او فرمود : کسی که از گفتن "نمی دانم" روی گردان است ، به هلاکت و نابودی می رسد.

● حکمت ۸۶ :

✿ برتری تجربه پیران از قدرتمندی جوانان (اخلاقی، تجربی)

وَقَالَ [عليه السلام] رَأَى الشَّيْخَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جَلْدِ الْغُلَامِ وَ رُؤْيَ مِنْ مَشْهَدِ الْغُلَامِ .

و درود خدا بر او ، فرمود : اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایندتر است .
(و نقل شده که تجربه پیران از آمادگی رزمی جوانان برتر است .)

● حکمت ۸۷ :

✿ ارزش استغفار (طلب بخشش از خدا) (اخلاقی، معنوی)

و قَالَ [عليه السلام] عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ الْإِسْتِغْفَارُ .

و درود خدا بر او ، فرمود : در شگفتم از کسی که می تواند استغفار کند و نا امید است.

● حکمت ۸۸ :

✿ دو عامل ایمنی مسلمین (اخلاقی ، معنوی)

وَحَكِي عَنْهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْبَاقِرِ [عليه السلام] أَنَّهُ قَالَ: كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا فَدُونَكُمْ
الْآخَرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِ أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ أَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي فَالِاسْتِغْفَارُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ
أَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ .

و درود خدا بر او : (امام باقر [عليه السلام] از حضرت امیر المؤمنین [عليه السلام] نقل فرمود :)
دو چیز در زمین مایه امان از عذاب خدا بود : یکی از آن دو برداشته شد ، پس دیگری را دریابید و بدان چنگ زید
، اما امانی که برداشته شد رسول خدا (ص) بود و امان باقیمانده ، استغفار کردن است که خدای بزرگ به رسول خدا
فرمود: " خدا آنان را عذاب نمی کند در حالی که تو در میان آنانی ، و عذابشان نمی کند تا آن هنگام که استغفار
می کنند."

(این یک نمونه از بهترین استفاده ها و لطیف ترین استنباط ها از آیات قرآن است.)

● حکمت ۸۹ :

✿ راه اصلاح دنیا و آخرت (اخلاقی، تربیتی، اجتماعی)

و قَالَ [عليه السلام] مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ
كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ .

و درود خدا بر او ، فرمود : کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند ، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد،
و کسی که امور آخرت را اصلاح کند ، خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد ، و کسی که از درون جان واعظی
دارد ، خدا را بر او حافظی است .

● حکمت ۹۰ :

✿ شناخت عالم آگاه (علمی ، اعتقادی)

وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] الْفَقِيهَ كُلُّ الْفَقِيهَةِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْيِسْهُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ .

و درود خدا بر او ، فرمود : فقیه کامل کسی است که مردم را از آمرزش خدا مأیوس ، و از مهربانی او نومید نکند و از عذاب ناگهانی خدا ایمن نسازد.

● حکمت ۹۱ :

✿ راه درمان روان (روانکاری ، روانشناسی بالینی) (علمی، اخلاقی)

وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ .

و درود خدا بر او ، فرمود : همانا این دل ها همانند بدن ها افسرده می شوند ، پس برای شادابی دل ها ، سخنان زیبای حکمت آمیز را بجوید.

● حکمت ۹۲ :

✿ والاترین دانش (علمی ، تربیتی)

وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] أَوْضَعُ الْعِلْمِ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ .

و درود خدا بر او ، فرمود : بی ارزش ترین دانش ، دانشی است که بر سر زبان است ، و برترین علم ، علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است.

● حکمت ۹۳ :

✿ فلسفه آزمایشها (اخلاقی ، اجتماعی)

وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتْنَةٍ وَ لَكِنْ مِنْ اسْتِعَاذٍ فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ مَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ لِيَتَّبِعَنَّ السَّخِطَ لِرِزْقِهِ وَ الرَّاضِيَ بِقِسْمِهِ وَ إِنْ كَانَ سُبْحَانَهُ أَعْلَمَ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ لَكِنْ لِيُظْهِرَ الْأَفْعَالُ الَّتِي بِهَا يُسْتَحَقُّ الثَّوَابُ وَ الْعِقَابُ لِأَنَّ بَعْضَهُمْ يُحِبُّ الذُّكُورَ وَ يَكْرَهُ الْإِنَاثَ وَ بَعْضُهُمْ يُحِبُّ تَنْمِيمَ الْمَالِ وَ يَكْرَهُ انْتِلَامَ الْحَالِ .

قال الرضى و هذا من غريب ما سمع منه فى التفسير .

و درود خدا بر او ، فرمود : فردی از شما نگوید ک خدا یا از فتنه به تو پناه می برم ، زیرا کسی نیست که در فتنه ای نباشد، لکن آن که می خواهد به خدا پناه بُرد ، از آزمایش های گمراه کننده پناه ببرد ؛ همانا خدای سبحان می فرماید:

" بدانید که اموال و فرزندان شما فتنه شمایند "

معنی این آیه این است که خدا انسان ها را با اموال و فرزندانشان می آزماید ، تا آن کس که از روزی خود ناخشنود ، و آن که خرسند است ، شناخته شوند ، گرچه خداوند به احوالاتشان از خودشان آگاه تر است ، تا کرداری که استحقاق پاداش یا کیفر دارد آشکار نماید چه آن که بعضی مردم فرزند پسر را دوست دارند و فرزند دختر را نمی پسندند و بعضی دیگر فراوانی اموال را دوست دارند و از کاهش سرمایه نگرانند.

● حکمت ۹۴ :

✿ شناخت نیکی ها و خوبیها (اخلاقی، تربیتی)

وَقَالَ [عليه السلام] : وَ سئِلَ عَنِ الْخَيْرِ مَا هُوَ فَقَالَ لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثَرَ مَالُكَ وَ وَ لَدَكَ وَ لَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثَرَ عِلْمُكَ وَ أَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ وَ أَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ فَإِنْ أَحْسَنْتَ حَمِدَتَ اللَّهُ وَ إِنْ أَسَأْتَ اسْتَغْفَرَتَ اللَّهُ وَ لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلَيْنِ رَجُلٍ أَذْنَبَ دُنُوبًا فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ وَ رَجُلٍ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ .

و درود خدا بر او : (از امام پرسیدند "خیر" چیست ؟ فرمود: خوبی آن نیست که مال و فرزندت بسیار شود ، بلکه خیر آن است که دانش تو فراوان و بردباری تو بزرگ و گران مقدار باشد و در پرستش پروردگار در میان مردم سرفراز باشی ، پس اگر کار نیکی انجام دهی شکر خدا به جای آوری ، و اگر بد کردی از خدا آمرزش خواهی . در دنیا جز برای دو کس خیر نیست: یکی گناهکاری که با توبه جبران کند ، و دیگر نیکوکاری که در کارهای نیکو شتاب ورزد.

● حکمت ۹۵ :

✿ تقوی و ارزش اعمال (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام] لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ

و درود خدا بر او ، فرمود : هیچ کاری با تقوا اندک نیست ، و چگونه اندک است آنچه که پذیرفته شود؟

● حکمت ۹۶ :

ارزش علم و بندگی (اخلاقی، علمی) ❁

وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْلَمُهُمْ بِمَا جَاءُوا بِهِ ثُمَّ تَلَا إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الْآيَةَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ إِنِّ بَعْدَتْ لُحْمَتُهُ وَ إِنِّ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَ إِنِّ قَرُبْتُ قَرَابَتَهُ .

و درود خدا بر او ، فرمود : نزدیک ترین مردم به پیامبران ، دانا ترین آنان است ، به آنچه که آورده اند . سپس این آیه را تلاوت فرمود : " همانا نزدیک ترین مردم به ابراهیم آنانند که پیرو او گردیدند ، و مؤمنانی که به این پیامبر خاتم پیوستند (سپس فرمود): دوست محمد (ص) کسی است که خدا را اطاعت کند هر چند پیوند خویشاوندی او دور باشد ، و دشمن محمد (ص) کسی است که خدا را نافرمانی کند ، هر چند خویشاوند نزدیک او باشد .

● حکمت ۹۷ :

ارزش یقین (اخلاقی ، اعتقادی) ❁

وَسَمِعَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] رَجُلًا مِنَ الْحَرُورِيِّهٖ يَتَهَجَّدُ وَ يَقْرَأُ فَقَالَ نَوْمٌ عَلَيَّ يَبِينُ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ فِي شَكٍّ .

و درود خدا بر او : (صدای مردی از حروراء را شنید که نماز شب می خواند و قرآن تلاوت می کرد). فرمود : خوابیدن همراه با یقین ، برتر از نماز گزاردن با شک و تردید است .

● حکمت ۹۸ :

ضرورت عمل کردن به روایات (علمی ، اجتماعی ، تربیتی) ❁

وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] اغْلُظُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلٌ رِعَايَةٌ لَأَعْقَلَ رَوَايَةٌ فَإِنَّ رَوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ رِعَاةَهُ قَلِيلٌ .

و درود خدا بر او ، فرمود : چون روایتی را شنیدید ، آن را بفهمید عمل کنید ، نه فقط بشنوید و نقل کنید ، زیرا روایان علم فراوان و عمل کنندگان آن اندکند .

● حکمت ۹۹ :

تفسیر اِنَّا لِلَّهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ راجعون (علمی ، تفسیری ، اعتقادی) ❁

وَسَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ فَقَالَ إِنَّ قَوْلَنَا إِنَّا لِلَّهِ إِفْرَارٌ عَلَى أَنْفُسِنَا بِالْمُلْكِ وَ قَوْلَنَا وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ إِفْرَارٌ عَلَى أَنْفُسِنَا بِالْهَلْكِ .

و درود خدا بر او ، فرمود : (شنید که شخصی گفت انا لله و انا اليه راجعون)
این سخن ما که می گوئیم ، ما همه از آن خداییم ، اقراری است به بندگی و اینکه می گوئیم " بازگشت ما به سوی اوست " اعترافی است به نابودی خویش.

● حکمت ۱۰۰ :

✿ روش مناجات کردن (معنوی)

و قَالَ [عليه السلام] وَ مَدَحَهُ قَوْمٌ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي وَ أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْهُمْ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَطْنُونَ وَ اغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ .

و درود خدا بر او ، فرمود : (آنگاه که گروهی او را ستایش کردند فرمود :)
بار خدایا تو مرا از خودم بهتر می شناسی ، و من خود را بیشتر از آنان می شناسم ، خدایا مرا از آنچه اینان می پندارند ، نیکوتر قرار ده ، و آنچه را نمی دانند ببامرز.

● حکمت ۱۰۱ :

✿ روش بر طرف کردن نیازهای مردم (اخلاقی، اجتماعی)

و قَالَ [عليه السلام] لَا يَسْتَقِيمُ قِضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثِ بَأْسِضَغَارِهَا لِتَعْظُمَ وَ بَأْسِثَكْتَامِهَا لِتَنْظَهَرَ وَ بَتَعْجِيلِهَا لِتَهْتَبُ .

درود خدا بر او ، فرمود : بر آوردن نیازهای مردم پایدار مگر به سه چیز ، کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نماید ، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود ، و شتاب در بر آوردن آن ، تا گوارا باشد.

● حکمت ۱۰۲ :

✿ آینده و مسخ ارزشها (سیاسی ، علمی ، تاریخی)

و قَالَ [عليه السلام] يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُقَرَّبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاحِلُ وَ لَا يُظَرَفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ وَ لَا يُضَعَفُ فِيهِ إِلَّا الْمُنْصِفُ يَعْدُونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا وَ صِلَةَ الرَّحِمِ مَنًّا وَ الْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ السُّلْطَانُ بِمَشُورَةِ النَّسَاءِ وَ إِمَارَةُ الصَّبِيَّانِ وَ تَدْبِيرُ الْخِصْيَانِ .

و درود خدا بر او ، فرمود : روزگاری بر مردم خواهد آمد که محترم نشمارند جز سخن چین را ، و خوششان نیاید جز از بدکار هرزه ، و ناتوان نگردد جز عادل.
در آن روزگار کمک به نیازمندان خسارت ، و پیوند با خویشاوندی منت گذاری ، و عبادت نوعی برتری طلبی بر مردم محسوب می شود در آن روز حکومت با مشورت زنان ، و فرماندهی خردسالان و تدبیر خواجگان اداره می گردد.

● حکمت ۱۰۳ :

✽ روش برخورد با دنیا (اخلاقی)

و رَأَى عَلَيْهِ إِزَارٌ خَلَقَ مَرْقُوعٌ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ :
يَخْشَعُ لَهُ الْقَلْبُ وَ تَذِلُّ بِهِ النَّفْسُ وَ يَقْتَدِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ إِنَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ عَدَوَاتٍ مَّتَفَاوَتَانِ وَ سَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَ تَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَ عَادَاهَا وَ هُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا شِ بَيْنَهُمَا كَلَّمَا قَرَّبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعْدَ مِنَ الْآخِرِ وَ هُمَا بَعْدَ ضَرَّتَانِ .

و درود خدا بر او : (پیراهن وصله داری بر اندام امام بود شخصی پرسید چرا پیراهن وصله دار می پوشی ؟)
فرمود : دل با آن فروتن ، و نفس رام می شود و مؤمنان از آن سرمشق می گیرند .
دنایای (حرام) و آخرت ، دو دشمن متفاوت ، و دو راه جدای از یکدیگرند ، پس کسی که دنیا پرست باشد و به آن عشق ورزد ، به آخرت کینه ورزد و با آن دشمنی خواهد کرد.
و آن دو همانند شرق و غرب و انسانی هستند که بین این دو راه می رود ، هرگاه به یکی نزدیک شود از دیگر دور می گردد ، و آن دو همواره به یکدیگر زیان رسانند.

● حکمت ۱۰۴ :

✽ اوصف زاهدان (اخلاقی ، تربیتی)

وَ عَنْ نَوْفِ الْبُكَالِيِّ قَالَ رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ ذَاتَ لَيْلَةٍ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْ فِرَاشِهِ فَنَظَرَ فِي النُّجُومِ فَقَالَ لِي يَا نَوْفُ أَرَأَيْدُ أَنْتَ أَمُّ رَامِقٍ فَقُلْتُ بَلْ رَامِقٌ فَقَالَ :
يَا نَوْفُ طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ أُولَئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ تَرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طَبِيبًا وَ الْقُرْآنَ شِعَارًا وَ الدُّعَاءَ دِتَارًا ثُمَّ قَرَضُوا الدُّنْيَا قَرْضًا عَلَى مِنْهَاجِ الْمَسِيحِ .

"۲- مکاسب الاسحار"

يَا نَوْفُ إِنَّ دَاوُدَ عَ قَامَ فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ إِنَّهَا لَسَاعَةٌ لَا يَدْعُو فِيهَا عَبْدٌ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَشَّارًا أَوْ عَرِيفًا

أَوْ شُرْطِيًّا أَوْ صَاحِبَ عَرَبِيَّةٍ وَ هِيَ الطُّنْبُورُ أَوْ صَاحِبَ كَوْبَةٍ وَ هِيَ الطُّبْلُ وَ قَدْ قِيلَ أَيْضًا إِنَّ الْعَرَبِيَّةَ الطُّبْلُ وَ الْكَوْبَةَ الطُّنْبُورُ .

از نوف بکالی ، نقل شده که در یکی از شب ها ، امام علی [علیه السلام] را دیدم برای عبادت از بستر برخاسته ، نگاهی به ستارگان افکند ، و به من فرمود : خوابی یا بیدار ؟ گفتم بیدارم . فرمود : ای نوف ! خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند ، و دل به آخرت بستند ! آنان مردمی هستند که زمین را تخت ، خاک را بستر ، آب را عطر ، و قرآن را پوشش زیرین ، و دعا را لباس روئین خود قرار دادند ، و با روش عیسای مسیح با دنیا برخورد کنند.

۲- ارزش سحر خیزی

ای نوف ! همانا داوود پیامبر (که درود خدا بر او باد) در چنین ساعتی از شب بر می خاست و می گفت : " این ساعتی است که دعای هر بنده ای به اجابت می رسد جز باجگیران ، جاسوسان ، شبگردان و نیروهای انتظامی حکومت ستمگر ، و نوازنده طنبور و طبل . "

● حکمت ۱۰۵ :

✿ احترام گذاشتن به مرزها و حدود احکام الهی (عبادی)

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَ حَدَّ لَكُمْ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ نَهَاكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَ سَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَ لَمْ يَدْعَهَا نِسْيَانًا فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا .

درود خدا بر او ، فرمود : همانا خدا واجباتی را بر شما لازم شمرده ، آن ها را تباہ نکنید و حدودی برای شما معین فرموده ، اما از آن ها تجاوز نکنید و از چیزهایی نهی فرمود ، حرکت آن را نگاه دارید و نسبت به چیزهایی سکوت فرمود نه از روی فراموشی . پس خود را درباره آنها به رنج و زحمت دچار نسازید.

● حکمت ۱۰۶ :

✿ راه آورد شوم دین گریزی (اخلاقی ، اعتقادی)

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ .

درود خدا بر او ، فرمود : مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی گویند ، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیانبارتر از آن دچار خواهد ساخت .

● حکمت ۱۰۷ :

❁ علل سقوط عالمان بی عمل (اخلاقی ، علمی)

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [رَبِّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ .

دروود خدا بر او ، فرمود : چه بسا دانشمندی که جهلش او را از پای در آورد و دانش او همراهش باشد اما سودی به حال او نداشته باشد.

● حکمت ۱۰۸ :

❁ شگفتی های روح آدمی (علمی)

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [لَقَدْ عَلِقَ بِنِيَابِ هَذَا الْإِنْسَانِ بَضْعَةٌ هِيَ أَعْجَبُ مَا فِيهِ وَ ذَلِكَ الْقَلْبُ وَ ذَلِكَ أَنْ لَهُ مَوَادَّ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ أَضْدَادًا مِنْ خِلَافِهَا فَإِنْ سَنَحَ لَهُ الرَّجَاءُ أَذَلَّهُ الطَّمَعُ وَ إِنْ هَاجَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الْحِرْصُ وَ إِنْ مَلَكَهُ الْيَأْسُ قَتَلَهُ الْأَسْفُ وَ إِنْ عَرَضَ لَهُ الْعُزْبُ اشْتَدَّ بِهِ الْغَيْظُ وَ إِنْ أَسْعَدَهُ الرِّضَى نَسِيَ التَّحَقُّطَ وَ إِنْ غَالَهُ الْخَوْفُ شَغَلَهُ الْحَذَرُ وَ إِنْ اتَّسَعَ لَهُ الْأَمْرُ اسْتَلَبَتْهُ الْغِرَّةُ وَ إِنْ أَفَادَ مَالًا أَطْعَاهُ الْغِنَى وَ إِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَضَحَّ الْجَزَعُ وَ إِنْ عَضَّتْهُ الْفَاقَةُ شَغَلَهُ الْبَلَاءُ وَ إِنْ جَهَدَهُ الْجُوعُ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ وَ إِنْ أَفْرَطَ بِهِ الشَّبَعُ كَطَنَتْهُ الْبِطْنَةُ فَكُلُّ تَقْصِيرٍ بِهِ مُضِرٌّ وَ كُلُّ إِفْرَاطٍ لَهُ مُفْسِدٌ .

دروود خدا بر او ، فرمود: به رنگ های درونی انسان پاره گوشتی آویخته که شگرف ترین اعضای درونی اوست ، و آن قلب است ، که چیزهایی از حکمت ، و چیزهایی متفاوت با آن ، در او وجود دارد. پس اگر در دل امیدی پدید آید ، طمع آن را خوار گرداند ، و اگر طمع بر آن هجوم آورد حرص آن را تباه سازد ، و اگر نومیدی بر آن چیره شود ، تأسف خوردن آن را از پای در آورد ، اگر خشمناک شود کینه توزی آن فزونی یابد و آرام نگیرد ، اگر به خشنودی دست یابد ، خویشان داری را از یاد برد ، و اگر ترس آن را فراگیرد پرهیز کردن آن را مشغول سازد.

و اگر به گشایشی برسد ، دچار غفلت زدگی شود ، و اگر مالی به دست آورد ، بی نیازی آن را به سرکشی کشاند ، و اگر مصیبت ناگواری به آن رسد ، بی صبری رسوایش کند ، و اگر به تهیدستی مبتلا گردد ، بلاها او را مشغول سازد ، و اگر گرسنگی بی تابش کند ، ناتوانی آن را از پای در آورد ، و اگر زیادی سیر شود ، سیری آن را زیان رساند ، پس هر گونه کندروی برای آن زیانبار ، و هر گونه تندروی برای آن فساد آفرین است .

● حکمت ۱۰۹ :

✿ ارزش والای اهل بیت پیامبر (ص) (اعتقادی، سیاسی)

وَقَالَ [عليه السلام] نَحْنُ التَّمْرُقَةُ الْوُسْطَى بِهَا يَلْحَقُ التَّالِي وَ إِلَيْهَا يَرْجِعُ الْغَالِي .

درود خدا بر او ، فرمود : ما تکیه گاه میانه ایم ، عقب ماندگان به ما می رسند ، و تندروان غلو کننده به سوی ما باز می گردند.

● حکمت ۱۱۰ :

✿ شرائط تحقق اوامر الهی (سیاسی، اعتقادی)

وَقَالَ [عليه السلام] لَا يُفِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ .

درود خدا بر او ، فرمود : فرمان خدا را بر پا ندارد ، جز آن کس که در اجرای حق مدارا نکند . و سازشکار نباشد و پیرو فرمان طمع (آرزوها) نگردد.

● حکمت ۱۱۱ :

✿ عشق تحمل ناشدنی امام علی [عليه السلام] (اعتقادی)

وَقَالَ [عليه السلام] وَ قَدْ تُوْفِّي سَهْلُ بْنُ حَنِيفٍ الْأَنْصَارِيُّ بِالْكَوْفَةِ بَعْدَ مَرْجِعِهِ مَعَهُ مِنْ صِفِّينَ وَ كَانَ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيْهِ لَوْ أَحَبَّبَنِي جَبَلٌ لَتَهَافَتَ مَعْنَى ذَلِكَ أَنْ الْمَحْنَةَ تَغْلِظُ عَلَيْهِ فَتَسْرِعَ الْمَصَائِبُ إِلَيْهِ وَ لَا يَفْعَلُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ وَ الْمُصْطَفِينَ الْأَخْيَارِ وَ هَذَا مِثْلُ قَوْلِهِ [عليه السلام] .

درود خدا بر او : (پس از بازگشت از جنگ صفین ، یکی از یاران دوست داشتنی امام ، سهل بن حنیف از دنیا رفت). فرمود : اگر کوهی مرا دوست بدارد ، در هم فرو می ریزد . (یعنی مصیبت ها به سرعت به سراغ او آید ، که این سرنوشت در انتظار پرهیزکاران و برگزیدگان خداست ، همانند آن در حکمت ۱۱۲ آمده است).

● حکمت ۱۱۲ :

✿ مشکلات شیعه بودن!! (اعتقادی ، سیاسی)

مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا

و قد يؤول ذلك على معنى آخر ليس هذا موضع ذكره .

درود خدا بر او ، فرمود : هر کس ما اهل بیت پیامبر (ص) را دوست بدارد ، پس باید فقر را چونان لباس رویین بپذیرد . (یعنی آماده انواع محرومیت ها باشد).

● حکمت ۱۱۳ :

✿ ارزش های والای اخلاقی (اخلاقی)

وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] لَا مَالَ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا وَحْدَةً أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ وَلَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ وَلَا كَرَمَ كَالْتَقْوَى وَلَا قَرِينَ كَحُسْنِ الْخُلُقِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ وَلَا قَائِدَ كَالْتَوْفِيقِ وَلَا تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَلَا رِبْحَ كَالنَّوَابِ وَلَا وَرَعَ كَالْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ وَلَا زُهْدَ كَالزُّهْدِ فِي الْحَرَامِ وَلَا عِلْمَ كَالْتَفَكُّرِ وَلَا عِبَادَةَ كَادَاءِ الْفَرَائِضِ وَلَا إِيمَانَ كَالْحَيَاءِ وَالصَّبْرِ وَلَا حَسَبَ كَالتَّوَضُّعِ وَلَا شَرَفَ كَالْعِلْمِ وَلَا عِزًّا كَالْحِلْمِ وَلَا مَظَاهِرَةً أَوْتَقُ مِنَ الْمُسَاوَرَةِ .

درود خدا بر او ، فرمود : سرمایه ای از عقل سودمندتر نیست ، و هیچ تنهایی ترسناک تر از خودبینی ، و عقلی چون دوراندیشی ، و هیچ بزرگواری چون تقوی ، و همنشینی چون اخلاقی خوش ، و میراثی چون ادب ، و رهبری چون توفیق الهی ، و تجارتمندی چون عمل صالح ، و سودی چون پاداش الهی ، و هیچ پارسایی چون پرهیز از شبهات ، و زهدی همچون بی اعتنائی به دنیای حرام ، و دانشی چون اندیشیدن ، و عبادتی چون انجام واجبات ، و ایمانی چون حیاء و صبر . و خویشاوندی چون فروتنی ، و شرافتی چون دانش ، و عزتی چون بردباری ، و پشتیبانی مطمئن تر از مشورت کردن نیست.